



Ethical assessment of the single world government

Dr. Amir Ghanavi ¹

Abbas Ghanavi ²

Abstract

The moral evaluation of types of governments is one of the valuable topics in governance ethics. This research aims to answer the question of whether a centralized government with a global scope of authority is a valuable category and is it not in conflict with moral values? From the perspective of applied ethics, is the Muslim belief in the world government of Imam Mahdi (PBUH) compatible with the views that consider such unity and scope for a government to be contrary to ethics? The belief in the necessity of forming a world government today is not raised solely from a saviorist perspective and based on religious and quasi-religious beliefs, and some international relations thinkers in recent decades believe in its necessity and even the ease of its formation. This theory has its supporters and opponents, and its most important drawbacks are its incompatibility with moral systems and its fundamental principles. This article attempts to examine these drawbacks from the perspective of applied ethics by raising the issue, especially in modern thought, and to determine that the drawbacks raised are fundamentally far from the religious and Mahdist government. It also attempts to dispel some doubts that are rooted in false beliefs about the rule of Imam Mahdi (PBUH) and have caused such problems to arise even regarding the global rule of Imam Mahdi (PBUH).

Keywords: Ethics of governance, ethical evaluation, Islamic ethical system, ethical conflicts, global governance, Mahdi's global governance, centralism

1. Faculty member, Research Institute of Islamic Culture and Thought, Qom, Iran (Corresponding Author)(Amir_Ghanavi@gmail.com)

2. Master's degree in Political Science, Mofid University, Qom, Iran(Ghanavi@gmail.com)

ارزیابی اخلاقی حکومت واحد جهانی*

امیر غنوی^۱

عباس غنوی^۲

چکیده

ارزیابی اخلاقی انواع حکومت‌ها یکی از مباحث ارزشمند در اخلاق حکمرانی است. این تحقیق بر آن است تا به این پرسش پاسخ دهد که آیا حکومتی متمرکز با دامنه اقتدار جهانی مقوله‌ای ارزشمند است و متعارض با ارزش‌های اخلاقی نیست؟ آیا از منظر اخلاق کاربردی، باور مسلمانان به حکومت جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با نظراتی که چنین وحدت و وسعتی را برای یک حکومت، ناقض اخلاقیات می‌پندارند سازگار است؟ باور به لزوم شکل‌گیری حکومت جهانی امروزه صرفاً از دیدگاه منجی‌گرایانه و متکی بر باورهای دینی و شبهه دینی مطرح نشده، و برخی متفکران روابط بین‌الملل در دهه‌های اخیر به ضرورت آن و حتی سهولت شکل‌گیری آن اعتقاد دارند. این نظریه موافقان و مخالفانی دارد و مهم‌ترین اشکال آن، ناسازگاری با نظامات اخلاقی و اصول بنیادین آن است. این مقاله می‌کوشد تا با طرح مسئله، خصوصاً در اندیشه مدرن، به بررسی این اشکالات از زاویه اخلاق کاربردی پرداخته و مشخص کند که اشکالات مطرح شده از بنیان با حکومت دینی و مهدوی فاصله دارد. همچنین تلاش دارد تا برخی شائبه‌هایی را بزدايد که ریشه در باورهای نادرست نسبت به حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف داشته و سبب شده تا چنین اشکالاتی حتی درباره حکومت جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پدیدار شود.

واژگان کلیدی

اخلاق حکمرانی، ارزیابی اخلاقی، نظام اخلاقی اسلام، تعارضات اخلاقی، حکومت جهانی، جهاننداری مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، تمرکزگرایی.

مقدمه

حکومت منجی در آخرالزمان باوری است که اختصاص به ادیان آسمانی نداشته و در بسیاری از مکاتب و فرقه‌ها نیز وجود دارد. باور به روزی که در آن اختلافات رخت بر بسته و انسان‌ها فارغ از ملیت و قومیت زیر پرچمی واحد و با یکدیگر به دور از ظلم و ستم زندگی

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۱۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۱۷

۱. عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول)
(Amir_Ghanavi@gmail.com).

۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه مفید، قم، ایران (Ghanavi@gmail.com).

خواهند کرد. این باور و آرزو در جهان مدرن نیز به گونه‌ای تازه مورد توجه قرار گرفته است. تهدیداتی که زندگی در کره زمین در معرض خطر قرار داده، روابط غیرمنصفانه میان کشورهای قدرتمند و سایر کشورها، وضعیت بد آزادی در برای اکثر ساکنان زمین و... بسیاری را به دعوت برای تشکیل یک حکومت دموکراتیک جهانی کشانده است. در مقابل، برخی نیز از نگران تمرکز قدرت، شکل‌گیری فضایی پیچیده و مشکل‌زا و فقدان رقابت و نظارت در چنین حکومتی بوده و وضعیت فعلی را بر برقراری حکومت جهانی ترجیح می‌دهند. اما آنچه در سایه حکومت واحد جهانی شکل می‌گیرد از نظر اخلاقی از جهات مختلف درخور تأمل بوده و با برخی اصول مختلف اخلاقی همساز به نظر نمی‌رسد. در این نوشته پس از بحث از رویکردهای امروزین به مسئله حکومت جهانی، از اشکالات تصویر رایج از این حکومت از منظر اخلاقی گفتگو کرده و با تکیه بر قواعد مسلم اخلاقی و بهره‌گیری از تبیین قیام مهدی و جامعه مهدوی در آیات و روایات به ارزیابی اشکالات خواهیم پرداخت.

رویکردهای مثبت و منفی به مسئله حکومت جهانی

متفکران روابط بین‌الملل نگاه یکسانی به مسئله حکومت واحد جهانی ندارند. مروری کوتاه بر استدالات طرفین می‌تواند به دستیابی به منظری جامع نسبت به موضوع کمک کند (Lu, 2021, pp. 1-2).

الف) موافقان

نگاه مثبت به حکومت جهانی گاهی در شکل باور به وجود روندی در روابط بین‌الملل به سوی حکومت جهانی خود را نشان داده و گاه در تلاش برای ایجاد فرایندی که به این حکومت بیانجامد.

۱. آینده‌نگاری حکومت جهانی واحد

رویکرد نخست به این مسئله در ذیل روند جهانی شدن و یا تلاش برای جهانی‌سازی مطرح می‌گردد. در روند جهانی شدن، با رشد فناوری و گسترش و تعمیق ارتباطات به تدریج مرزهای جغرافیایی و تمایزات فرهنگی رنگ باخته و اقتصاد مبتنی بر بازار آزاد در عرصه بین‌الملل چنان زندگی مردمان را به یکدیگر مرتبط کرده که افراد بیش از آن که در دولت - ملت‌ها جای بگیرند به عنوان شهروند جهانی خود را باور دارند. چنین فضایی به تدریج ما را به سوی جهانی خواهد برد که به درگیری‌های ملی و قومی خود را گرفتار نکرده، به نهادهایی تکیه کنیم که رابطه‌ها را براساس قواعد فراملی تنظیم کنند و چنین تنظیمی محتاج نهادهایی است که

مدیریت و برنامه‌ریزی جهانی را برعهده بگیرند. روند جهانی شدن ناگزیر به چنین وضعیت و چنین نیازی خواهد رسید و زمینه‌ساز شکل‌گیری دولت جهانی خواهد شد.

امروز در عرصه پویای آینده‌پژوهی، این آرزو در قالب مدل‌های آینده‌نگاری نیز عرضه می‌شود؛ مثلاً الکساندر ونت یکی از معروف‌ترین اندیشمندان روابط بین‌الملل بر این باور است (Wendt, 2003, pp.491-542) که با در نظر گرفتن میزان به هم‌ریختگی و تعارضات موجود به این نتیجه رسیده‌اند طی یک تا دو قرن آینده شاهد پدیدار شدن حکومت واحد جهانی خواهیم بود. او با تکیه بر رویکرد نوداروینی در فضای بین‌الملل و با پذیرش مدل‌هایی بر پایه برخی نظرات هگل، هابز و ... بر این پیش‌بینی استدلال می‌کند. از نگاه او، اگر دولت را براساس تعریف وبر سازمانی بدانیم که انحصار استفاده مشروع از خشونت سازمان یافته در یک جامعه را دارد (وبر، ۱۳۸۴، ص. ۵۹۲). برای رسیدن به چنین دولتی باید سه چیز باید محقق شود: ۱. ظهور یک جامعه امنیتی جهانی؛ یعنی اعضای سیستم نباید یکدیگر را به مثابه یک تهدید فیزیکی حس کرده و انتظار حل مسالمت‌آمیز مسائل فیما بین را دارند. ۲. امنیت جمعی جهانی؛ یعنی اگر جرم اتفاق بیفتد همگی آن را تهدیدی برای امنیت خود تلقی نکنند. نتیجه این دو تغییر ۳. قدرت فراملی جهانی را ایجاد خواهد کرد؛ یعنی ایجاد رویه برای اتخاذ تصمیمات الزام آور و مشروع در مورد اعمال این قدرت مشترک. این به معنای واگذاری حاکمیت خود به واقعیتی خارجی در عرصه جهان در حوزه امنیت خواهد بود.

طرفداران دیدگاه «سوسیالیسم تکاملی» براساس توضیحات Encyclopaedia Britannica (n.d.a)، به امکان شکل‌گیری نوعی «حکومت جهانی تکاملی (Evolutionary World Government)» باور دارند. در این چارچوب، سوسیالیسم با کنار گذاشتن مالکیت جمعی بر ابزار تولید و فاصله گرفتن از ایده انقلاب خشونت‌آمیز، بر این اعتقاد است که می‌توان ابتدا به سمت یک فدرالیسم جهانی محدود حرکت کرد و در بلندمدت، ساختار دموکراتیک جهانی را فراهم آورد (Yunker, 2012: p.95-97). حتی یک حکومت جهانی ابتدایی و نسبتاً ضعیف می‌تواند حس همبستگی جهانی را تقویت کند؛ تقویتی که نهایتاً به رشد نهادهای جهانی و شکل‌گیری جامعه و دولت جهانی مؤثر منجر خواهد شد، فرایندی که می‌توان آن را نوعی «اثر گلوله برفی» توصیف کرد.

۲. تلاش برای ایجاد حکومت جهانی واحد

رویکرد دوم که غالباً از سوی کانون‌های قدرت جهانی و نهادهای بین‌المللی مورد توجه

است تلاش برای جهانی سازی است. در این رویکرد، سخن از پیش بینی آینده نیست بلکه تلاش برای ساختن آن است؛ آینده ای که مرزهای کشورها و تفاوت های میان اقوام مانع از تجارت آزاد نشده و کشورها و کانون های قدرت بتوانند به راحتی از مجموعه امکانات و بازارهای جهانی فارغ از هر محدودیتی بهره مند شوند. صاحبان این رویکرد در انتظار تحولات ننشسته بلکه می کوشند با استفاده از انواع شیوه ها و ابزارها موانع این فرایند را از پیش رو بردارند. این رویکرد، گاه ریشه در برخی تمایلات و سخنان انسان دوستانه ای دارد یا لاقلاً در این پوشش عرضه می شود؛ سخن از:

۱. خطراتی که سیاره ما را تهدید کرده و جز در سایه دولتی برتر نمی توان به آن پاسخ داد (Dufek, 2019, p.120)؛ خطراتی مانند تخریب محیط زیست، توسعه سلاح های کشتار جمعی، آب و هوا و بیماری های عفونی و واگیردار

۲. فقدان آزادی در اکثریت قاطع جوامع در دنیای امروز (Abramowitz, 2018, p.120) و (Repucci & Slipowitz, 2022, p.120)

۳. فقر و نابرابری جهانی

۴. بی ثباتی مالی جهانی

۵. رفتار خشن قدرت های نظامی یا اقتصادی برتر با کشورهای ضعیف تر

۶. عادلانه نبودن فضای رقابت میان کشورها و بهره کشی از کشورهای توسعه نیافته و جلوگیری از پیشرفت آنها.

تلاش برای رفع این امور، مسلماً دارای حسن فاعلی است و اگر به واقع قصد تلاشگران کم کردن رنج مردمان باشد ستوده خواهد بود. اما با توجه به حمایت محافل بدسابقه و کانون ها زرسالار از این رویکرد باید با سوءظن به آن نگریست.

ب) مخالفان

مخالفان ایده دولت جهانی از سه جهت به آن تاخته اند؛ ضرورت، امکان و فائده. به تعبیر دیگر، اولاً، آیا برای رفع مشکلات امروز بشریت لزومی دارد تا به شکل تازه ای از حکومت در جهان بیندیشیم یا اصلاح وضع فعلی می تواند به رفع مشکلات بیانجامد؛ ثانیاً، آیا راهی برای دستیابی به دولت جهانی هست؟ آیا می خواهیم با جنگ و شکست دولت - ملت ها به این ایده دست پیدا کنیم؟ آیا حتی با جنگ به آن ایده خواهیم رسید یا شکلی مهیب تر از استبداد و تبعیض را شاهد خواهیم بود؛ ثالثاً، آیا فائده های این شکل از حکومت در حدی هست که هزینه های شکل گیری آن را توجیه کند؟

۱. نفی ضرورت دولت جهانی

برخی اندیشمندان با پذیرش مشکلات موجود بر این باور هستند که امکان حل مشکلات با تقویت روابط و نهادهای بین‌المللی وجود دارد. افرادی مانند توماس پیوگ اعتقاد دارند تحقق آینده‌ای صلح‌آمیز و سالم از نظر زیست‌محیطی... نیازمند نهادها و سازمان‌های فراملی است که حقوق حاکمیت دولت‌ها را شدیدتر از رویه فعلی محدود کنند (Pogge, 2000: p.145). باید از مفهوم سنتی حاکمیت چشم‌پوشی کرد و بحث‌های همه‌یا هیچ درباره حکومت جهانی را پشت سر گذاشت.

۲. غیرقابل دستیابی

در سال‌های اخیر ما با جهانی روبرو هستیم که با نابرابری‌های ساختاری عمیق سیاسی، اجتماعی و اقتصادی تقسیم شده و درگیر رکود اقتصادی و آسیب‌های وسیع زیست‌محیطی روبروست. مردم بی‌اعتمادی عمیقی به نهادهای بین‌المللی دارند و کانون‌های قدرت و کشورهای توسعه‌یافته چندان توجهی به مشکلات جوامع کم‌توسعه ندارند. جنگ غزه و حمایت‌های همه‌جانبه غرب از کشتارهای اسرائیل و حمله روسیه به اوکراین چهره خشن و بی‌رحم قدرت‌های برتر را پیش چشم همگان آورده است. رسیدن به حکومت جهانی جز با جنگ و خشونت بسیار گسترده ممکن نیست و آنچه در فردای این جنگ رخ خواهد داد جهانی سوخته است و مردمانی که خود را اسیر حکومتی خشن می‌بینند. حکومت جهانی هنگامی با ارزش است که براساس توافقی بین‌المللی شکل بگیرد و ایدئولوژی و باور واحدی آن را پشتیبانی کند.

از یاد نبریم که برنامه‌ریزی برای وضعیت قدرت در فردا در دست کسانی است که امروز قدرت را در دست دارند و وضعیت نابه‌سامان فعلی را پدید آورده‌اند. در ساختار متمرکز حکومت جهانی اهرم‌های حفظ و کنترل قدرت هم‌چنان برای قدرتمندان فراهم خواهد بود. آنچه امروز نگران آن هستیم فردا در شکلی دیگر رخ خواهد داد.

۳. نامطلوب

همان‌گونه که چیمنی گفته است (Chimni, 2004: p.1) در شرایطی که سلسله مراتب جهانی مستقر بر پایه سلطه، نژادپرستی، پدرسالاری و سرمایه‌داری استوار شده، ممکن است تلاش برای تشکیل یک دولت جهانی، یک پروژه سیاسی نامطلوب باشد (Robinson, 1983: p.50). شبکه‌ی نهادهای بین‌المللی در عرصه اقتصاد و سیاست و اجتماع که به ابتکار جهان

اول برپا شده است و دولت جهانی در داخل آن شکل می‌گیرد کارکردی متناسب با منافع سرمایه‌های فراملی و دولت‌های قدرتمند در عرصه بین‌الملل بوده و به دولتی با ویژگی‌های امپریالیستی می‌انجامد.

اقتصاددانان نیز هشدار داده‌اند که ایجاد یکپارچگی در اقتصاد جهانی به همراه خودمختاری ملی، و پذیرش مشی دموکراتیک می‌تواند پرتنش باشد (Rodrik, 2011: p.75)؛ چراکه سرمایه‌داری به طور تمایل به بازتولید و تشدید نابرابری دارد (Piketty, 2014: p.90). رویای یک کارگزار واحد - مستبد روشن فکر، امپراتوری متمدن، پیشتاز کمونیست، دولت جهانی - یک توهم است (Chimni, 2004: p.1).

حکومت دینی و باورهای مهدوی

حکومت و دین هر دو منشأ شکل‌گیری قدرت اجتماعی هستند. اولی خود را بر مشروعیت قانونی و پذیرش مردم یا قدرت فیزیکی متکی کرده و امکان اعمال قدرت به صورت مشروع را یافته است اما دومی ادعای ارتباط با قدرت فرازمینی دارد و مشروعیت و لزوم اطاعت دیگران را بر آن پایه مبتنی می‌کند. حکومت دینی از هر دو ابزار برای اثبات مشروعیت خود بهره‌جسته و از اقتداری فوق‌العاده برخوردار می‌شود.

متولیان دین اگرچه غالباً از ریشه‌های معنوی و اخلاقی برتری برخوردارند اما چسبندگی قدرت و جاذبه‌های آن چنان قوی است که برای حفظ و حراست از آن، صاحبان قدرت دینی نیز به تدریج از ارزش‌های اخلاقی فاصله گرفته، همانند حاکمان و گاه بیش از آنان، دچار آلودگی‌های دنیوی می‌شوند. متولیان دین هنگامی که در مسند حکومت می‌نشینند حساسیت‌های دینی خود را به همراه داشته و به همین جهت نسبت به باورهای دیگران تحمل و رواداری کمتری به خرج می‌دهند. حکومت‌های دینی سابقه نامناسبی در اعمال خشونت داشته و سیمای دین را نیز در میان مردمان زشت جلوه می‌دهند. شکست حکومت‌هایی دینی به ناکارآمدی و نادرستی مدعای ادیان تفسیر شده و سبب رویگردانی مردم از دین می‌گردد.

تاریخ ادیان الهی نیز از این قاعده مستثنی نیست و بسیاری از عالمان دینی با وارد شدن به عرصه حکومت گرفتار جاذبه‌های دنیوی شدند. در روایات به این نکته در نسبت میان دین و حکومت اشاره شده است:

عَلِيٌّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ التَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

الْفَقَهَاءُ أَمَنَاءُ الرُّسُلِ مَا لَمْ يَدْخُلُوا فِي الدُّنْيَا قَبْلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا دُخُوهُمْ فِي الدُّنْيَا قَالَ
اتَّبَاعُ السُّلْطَانِ فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ فَأَخَذَرُوهُمْ عَلَى دِينِكُمْ. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص. ۴۶)

رسول خدا ﷺ در این روایت از امانتداری فقهاء نسبت رسولان الهی خبر داده است. امین شمردن فقهاء نسبت به پیامبران به معنای دعوت به اعتماد به فقهاء در امور دینی است. رسول خدا ﷺ این اعتماد را موکول به وارد نشدن فقهاء به دنیا کرده و در توضیح تعبیر «ورود به دنیا» آن را به دنبال روی از قدرتمندان تفسیر نموده است. پیامبر ﷺ از مسلمانان می‌خواهد تا از آنان نسبت به دین خویش برحذر باشد. سخن پیامبر ﷺ به وضوح از خطر حکومت دینی خبر می‌دهد.

درباره حکومت امام مهدی (عج) در آخرالزمان نیز این پرسش قابل طرح است که آیا این حکومت مذهبی در معرض مشکلاتی نخواهد شد که حکومت‌های مذهبی پیشین دچار آن بودند. اندیشه‌های رایج درباره حکومت امام فضایی را در برابر چشم می‌آورد که نگرانی بسیار در خصوص ناکارآمدی و خشونت‌های اجتماعی را به دنبال دارد. برخی از این باورها از این قرارند:

۱. حکومت جهانی مهدوی پس از جنگ‌های خونین بسیار میان او و دشمنانش برپا می‌شود. این جنگ‌ها از خود زخم‌هایی را در جامعه به جا می‌گذارد که سبب خشونت‌های ادامه‌دار خواهد شد. رنج‌های خانواده‌های بی‌سرپرست و مشکلات مجروحان و معلولان و آسیب‌های شغلی و مالی آثاری طولانی بر روح جامعه دارد. از منظر اخلاقی این پرسش مطرح می‌شود که آیا طی چنین مسیری با توجه به آسیب‌های فراوانی که در پی خواهد داشت امری اخلاقی است... .

۲. جامعه‌ای که در جنگ شکست می‌خورد خود نیز می‌شکند و بازسازی آن و التیام روانی آن زمان بسیاری را طلب می‌کند. خاطره خونریزی‌ها و حس خواری و شکست خوردگی کینه‌های سنگینی در دل جامعه برجای می‌گذارد. کینه‌ها هم از جهت اخلاقی به انحطاط اخلاقی شکست خوردگان انجامیده و هم خاستگاه ظلم و ستم‌ها تازه خواهد شد. روشن است که ایجاد کینه و سبب‌سازی برای ظلم و ستم، رفتاری ناشایسته و محکوم است.

۳. پس از شکست مخالفان از امام مهدی (عج) همگان باید سر به اطاعت او نهاده و حتی دین و آئین خود را رها کرده و حاکمیت اسلام را، حکومت او را و دین و فرهنگ او را بپذیرند. تحمیل عقیده و سلب آزادی انسان در انتخاب اعتقادات مصداق ظلم تلقی شده و قابل دفاع نیست.

۴. این حکومت مذهبی از عیوب حکومت‌های پیشین عاری نیست. با وجود عصمت امام مهدی علیه السلام، هرم قدرت در اختیار کسانی است که بهره‌ای از عصمت ندارند و هنگامی که بر عریکه قدرت بنشینند سرگذشت گذشتگان را خواهند داشت. مگر در حکومت علی علیه السلام کارگزاران او دچار فساد نشدند؟ مگر زیاد بن ابیه استاندار علی علیه السلام نبود؟ تلاش برای ایجاد چنین حکومت با هزینه‌های زیادی همراه است درحالی‌که فائده‌چندانی ندارد و توجیه اخلاقی ندارد.

۵. آیه «لِيُظْهَرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» (توبه: ۳۳) از غلبه دین اسلام بر همه ادیان خبر داده و روایات از تحقق این وعده در عصر امام مهدی علیه السلام خبر داده‌اند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص. ۴۳۲؛ خصیبی، ۱۴۱۹ق، ص. ۳۹۳ و ۴۲۹). روایات به تفصیل از این نکته گفته‌اند که همگان در آن عصر موظف هستند تا دین اسلام را بپذیرند. اگر هیچ سختگیری دیگری جز همین مورد نباشد قطعاً این الزام به زمینه‌سازی خشونت‌های مذهبی و درگیری‌های قومی خواهد انجامید. اساساً تحمیل عقیده بر دیگری رفتاری ناپسند و غیرقابل توجیه بوده و وقوع چنین عواقب ناگواری طبیعی است.

حکومت جهانی امام به خاطر وسعت بی‌مانند و تمرکز فوق‌العاده دچار مشکلات متعددی خواهد بود:

۱. تمرکز فوق‌العاده در مدیریت و برنامه‌ریزی؛ تصمیم‌گیری‌های مهم در حکومت‌های بزرگ و برنامه‌ریزی برای آن، باید در یک مرکز انجام شود تا هماهنگی لازم ایجاد شده، از تکرار و اهمال جلوگیری و از اتلاف منابع خودداری شود. چنین تمرکزی سبب خواهد شد تا عملاً نیروهای خارج از مرکز امکان پرورش خلاقیت و تجربه مدیریت را از دست بدهند و صرفاً به امور اجرایی مشغول شوند. پرورش خلاقیت و شکوفا شدن استعدادها یکی از اهداف مهم در حکومت‌هاست که به خاطر تمرکز شدید در حکومت جهانی ممکن نخواهد شد.

۲. فاصله بسیار میان مرکز و ایالات؛ اگرچه وسائل ارتباط جمعی و فناوری اطلاعات به کم شدن فاصله‌ها انجامیده، ولی این حد از گستردگی دامنه حکومت عملاً مسئولین کلیدی را از حضور در بسیاری از نقاط دور داشته و به کم‌توجهی به برخی مناطق و وقوع تبعیض منجر می‌شود.

۳. دشواری در نظارت و کنترل؛ در حکومت دینی هم‌چنان شیطان حاضر و هوای نفس انسان‌ها فعال است؛ از این‌رو، نظارت بر عملکردها هم‌چنان باید مورد توجه باشد؛ اما گستردگی حکومت جهانی سبب خواهد شد که این نظارت بسیار دشوار شده و عملاً زمینه برای

بروز فساد و ناکارآمدی افزایش یابد.

۴. تفاوت‌های عمیق فرهنگی میان اقوام؛ حکومت‌ها باید حدی از تناسب فرهنگی با اقوام تحت حکومت داشته باشند تا بتوانند مشکلات آنان را درک کنند و همچنین این تناسب سبب خواهد شد تا در اجرا نیز همراهی مردم را با خود داشته باشند. فقدان تناسب فرهنگی به وقوع فاصله میان مردم و حکومت منتهی شده و مانع از انسجام حکومت و مردم به عنوان یک هدف مهم اخلاقی است.

۵. سلب آزادی مردم در انتخاب دین، نوع حکومت، شخص حاکم و در تعیین برنامه‌های اجتماعی؛ اساس خلقت و بنیان شخصیت انسان بر تعقل و انتخاب‌گری اوست و به همین جهت، باید انتخاب دین و راه زندگی را به خود او سپرد و در عرصه اجتماعی نیز اجازه داد تا در تعیین نوع حکومت و شخص حاکم و ترسیم برنامه زندگی دخالت داشته و به او حق انتخاب داد. در حکومت جهانی مهدوی عملاً همه این حقوق از او سلب شده، در هیچ یک از این مقولات برای دخالتی فرض نشده است. این نگاه به سلب مهم‌ترین حقوق طبیعی فرد می‌انجامد و او را از جایگاه اخلاقی خود دور می‌کند و با کرامت انسانی منافات دارد. در مجموع، این حکومت جهانی با مشکلات اخلاقی اتلاف ظرفیت‌های انسانی به خاطر شکل مدیریت، تحمیل باورها بر دیگران، ترجیح و تسلط یک فرهنگ بر سایر فرهنگ‌ها، ضعف نظارت و شکل‌گیری فساد در قالب جدید روبرو خواهد بود.

باورهای اصیل مهدوی و حکومت جهانی

مهم‌ترین مشکل در تحلیل آموزه‌های مهدوی رسوخ مطالب بی‌پایه در میان آنهاست. در نوشته‌های دیگر به کرات بر این نکته تأکید کرده‌ام که سهل‌اندیشی در برخورد با روایات سبب شده تا در مجموعه‌های روایی مرتبط با مهدویت، مطالب مجعول و بی‌اعتبار زیادی را در خود جای دهند. اولین شرط تحقیق در حوزه مهدویت آشنایی کافی با مشکلاتی است که روایات موجود در این کتب دچار آن هستند (غنوی، ۱۳۹۱، ص. ۲۵).

این بحث را با اصلاح تصویری ادامه می‌دهیم که از چگونگی شکل‌گیری حکومت مهدوی و اصول حاکم در اذهان القاء شده و موجب بروز بسیاری از ایرادهای پیشین گردیده است. این تصویر را باید از سه جنبه تغییر داد:

الف) چگونگی شکل‌گیری

۱. ظهور حجت خدا پس از تجربه حکومت همه کسانی خواهد بود که داعیه‌دار حکومت

هستند:

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: دَوْلُنَا آخِرُ الدُّوَلِ وَلَنْ يَبْقَى أَهْلُ بَيْتٍ لَهُمْ دَوْلَةٌ إِلَّا مُلِكُوا قَبْلَنَا لَسَلَّا يَقُولُوا إِذَا رَأَوْا سَيْرَتَنَا إِذَا مُلِكْنَا سِرْنَا مِثْلَ سِيرَةِ هَؤُلَاءِ وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ «الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (أعراف: ۱۲۸؛ قصص: ۸۳؛ طوسی، ۱۴۱۱ق، ص. ۴۷۳)؛

امام باقر عليه السلام در توضیح این تأخیر می‌فرماید: تا هنگامی که سیره دولت‌داری ما را می‌بینند نگویند که اگر ما حکومتدار می‌شدیم همانند اینان رفتار می‌کردیم و این همان کلام خداست که «عاقبت به متقین تعلق دارد».

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: مَا يَكُونُ هَذَا الْأَمْرُ حَتَّى لَا يَبْقَى صَنُفٌ مِنَ النَّاسِ إِلَّا وَقَدْ وُثِّقُوا عَلَى النَّاسِ حَتَّى لَا يَقُولَ قَائِلٌ إِنَّا لَوُثِّقْنَا لَعَدَلْنَا ثُمَّ يَقُومُ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ وَالْعَدْلِ (نعمانی، ۱۳۹۷ق، ص. ۲۷۴).

امام صادق عليه السلام همین مضمون را فرموده و در پایان گفته است:

تا کسی نگوید که اگر بر عهده ما گذارده می‌شد به عدالت رفتار می‌کردیم. پس از این است که قائم عليه السلام برای حق و عدل برمی‌خیزد.

بشر هنگام ظهور همه تجربه‌ها را پشت سر گذاشته و عیار تمامی مدعیان را سنجیده است. همین است که پس از ظهور و دیدن دنیای سرشار از عدل مهدی و سوسه‌ای او را به خود جلب نکرده و به دعوت‌های دیگران وقعی نمی‌نهد.

نکته فوق این توجه را در عرصه قضاوت‌های اخلاقی پدید می‌آورد که روی آوردن به حکومت اهل بیت عليهم السلام تحمیلی نبوده و مردم با روی باز به سوی آنان خواهند رفت. همچنین پس از حکومت اهل بیت عليهم السلام کمتر کسی به حکومت گروه‌های دیگر توجهی خواهد داشت؛ چون مردم همه مدعیان را پیشتر تجربه کرده‌اند.

۲. توجه همگان به حکومت اهل بیت عليهم السلام؛ بشریت پس از عملکرد تجربه همه مدعیان حکومت و مشاهده شکست آنان، نگاهی متفاوت به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله خواهد داشت. این فضایی است که در اندیشه مردم جهان شکل گرفته و آنان را به درگاه اهل بیت عليهم السلام کشانده و آماده شنیدن و پذیرش دعوت و مشاهده عملکرد ولی خدا می‌کند. این نکته را از روایات ذکر شده در بند پیشین می‌توان دریافت. همچنین روایاتی نیز بر این نکته دلالت دارند که از جنگ‌های خانمان‌سوز پیش از ظهور^۱ و از برخورد مردم با صیحه آسمانی و همراهی گسترده با

۱. ابن بابویه، ۱۳۹۵ق، ج. ۱، ص. ۳۳۱؛ نعمانی، ۱۳۹۷ق، ص. ۲۸۸. در برخی روایات آمده است: «عن کیسان الرقاشی... سمعت علیاً یقول: لا یخرج المهدی حتی یقتل ثلث و یموت ثلث و یشقی ثلث» (ابن طاووس، ۱۴۱۶ق، ص. ۱۲۸).

آن خبر داده‌اند. توجه به این نکته ضروری است که ندای آسمانی در آغاز دعوت به گوش همگان رسیده و حق و حقیقت را بر آنان روشن می‌کند و حکومت مهدی علیه السلام چند ماه بعد تشکیل شده و به ستمگرانی چون سفیانی خواهد پرداخت. همراهی مردم پس از جنگ‌ها و تباهی‌ها و پس از شنیدن دعوت روشنگر آسمانی است. سرّ توجه و حمایت همگان و بی‌نیازی امام از درگیری‌های بی‌شمار در همین نکته نهفته است.

برخی متفکران مانند فوکویاما بر این نکته تأکید کرده‌اند که برقراری و بقای حکومت جهانی در گروی وجود یک ایدئولوژی واحد در سراسر جهان است. این مجموعه باورهای اخلاقی و ارزشی است که می‌تواند پشتوانه‌ای اجتماعی برای حفظ وحدت جهانی و حکومت واحد باشد. روایاتی که گرایش همسان در جهان خبر داده و از اثبات حقانیت و کارآمدی حکومت واحد پیش از ظهور گفته است، همگی بر پیدایش چنین مجموعه باورهای اخلاقی دلالت دارد.

از جهت اخلاقی، این نکته روشن می‌شود که حکومت امام دارای پشتوانه عمیق و وسیع مردمی است و هیچ تحمیلی در کار نیست. پشتوانه این حکومت تازه، هم درک حقانیت آن از سوی مردم، هم رویگردانی از همه مدعیان دیگر و هم دیدن کارایی و توانمندی آن در اداره جامعه اسلامی است.

۳. آمادگی یاران مهدی علیه السلام برای دو مأموریت جهانگیری و جهانداری؛ مهدی علیه السلام در راه برقراری حکومت عدل جهانی تنها نیست. روایات بسیاری از همراهی مردان و زنان بزرگی با مهدی علیه السلام خبر داده‌اند:

عن علی علیه السلام: إذا قام تجتمع إليه أصحابه على عدة أهل بدر وأصحاب طالوت وهم ثلاثمائة وثلاثة عشر رجلاً كلهم ليوث قد خرجوا من غاباتهم مثل زير الحديد، لو أنهم هموا بإزالة الجبال الرواسي لأزالوها عن مواضعها فهم الذين وُعدوا الله تعالى حق توحيد، لهم بالليل أصوات كأصوات الثواكل حزناً من خشية الله تعالى، قوام الليل صوام النهار كأنما رباهم أب واحد وأم واحدة، قلوبهم مجتمعّة بالمحبة والنصيحة (يزدی حائری، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص. ۱۶۵).

امیرمؤمنان علیه السلام از قیام مهدی علیه السلام می‌گوید و از یارانی به تعداد اهل بدر و همراهان طالوت - سیصد و سیزده نفر - که همگی شیرانی هستند که از بیشه‌هایشان بیرون آمده و همانند پاره‌های آهن‌اند. اگر بخواهند که کوه‌های بلند را از جای بکنند، آن را از جای خویش خواهند کند؛ هم اینان هستند که حق توحید را در توحیدورزی به خدا به جای می‌آورند؛ شب‌های از

غم ترس از پروردگار متعال صدایی دارند همانند صدای زنان مصیبت زده؛ برپادارندگان شب و روزه داران روز هستند؛ چنان با یکدیگر مهربانند که گویی پدر و مادری یکسان آنان را پرورانده است؛ دل‌های شان با محبت و نصیحت با یکدیگر همراه شده است. این بزرگان که از تمامی سرزمین‌های دور و نزدیک آمده (خزاز رازی، ۱۴۰۱ق، ص ۲۸۲) با چنین زمینه معنویت و اخلاص: «فَإِذَا اجْتَمَعَتْ لَهُ هَذِهِ الْعِدَّةُ مِنْ أَهْلِ الْإِخْلَاصِ» (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق، ج ۲، ص ۳۷۷) و چنین رفاقت و صمیمیتی همراه هستند هنگامی که عهده دار حکومت بر کشورهای مختلف شوند جایی برای درگیری میان اقوام و دولت‌های کوچک باقی نمی‌ماند.

از جهت اخلاقی، حکومت‌هایی که از چنین ریشه‌های عمیق اخلاقی و عاطفی برخوردارند امنیتی فوق‌العاده را برای مردم پدید آورده و احتمال درگیری و فساد و خونریزی میان آنان بسیار کم خواهد بود.

۴. پذیرش حق مبنای حکومت امام؛ حکومت مهدوی بر پایه پذیرش حق از سوی اقوام و ملت‌های مختلف شکل می‌گیرد و به معنای برتری هیچ قوم و ملتی بر سایر اقوام نیست؛ تبیین حقانیت امام مهدی علیه السلام به شیوه‌ای صورت خواهد گرفت که جایی برای تردید و شبهه باقی نماند. این حقیقتی است که روایات زیادی بر آن تأکید کرده‌اند:

عَنْ مُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَ عِنْدَهُ فِي الْبَيْتِ أَنْاسٌ فَظَنَنْتُ أَنَّهُ إِنَّمَا أَرَادَ بِذَلِكَ غَيْرِي فَقَالَ أَمَا وَاللَّهِ لَيَغِيبَنَّ عَنْكُمْ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ... لَتُرْفَعَنَّ اثْنَتَا عَشْرَةَ رَايَةً مُسْتَهْجَةً لَا يُدْرَى أَيُّ مِنْ أَيِّ قَالٍ فَبَكَيتُ فَقَالَ مَا يُبْكِيكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ كَيْفَ لَا أَبْكِي وَ أَنْتَ تَقُولُ اثْنَتَا عَشْرَةَ رَايَةً مُسْتَهْجَةً لَا يُدْرَى أَيُّ مِنْ أَيِّ قَالٍ وَ فِي مَجْلِسِهِ كَوَّةٌ تَدْخُلُ فِيهَا الشَّمْسُ فَقَالَ أَبَيَّنْتُ هَذِهِ فَقُلْتُ نَعَمْ قَالَ أَمَرْنَا أَبَيْنَ مِنْ هَذِهِ الشَّمْسِ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۳۸).

مفضل به عمر از امام صادق علیه السلام درباره فضای پرشبهه پیش از ظهور می‌شنود؛ می‌گرید و از ترس خود از چنین شرایطی می‌گوید. امام به او این نکته را می‌آموزد که امر اهل بیت علیهم السلام از نور خورشید نیز واضح‌تر است؛ چراکه در فضای پرشبهه این خدا و اولیای خدا هستند که باید ابهام و شبهه را برطرف کنند و آن‌جا که کار بر عهده آنها باشد به بهترین وجه انجام خواهد شد.

یکی از علائم ظهور نقش مهمی در وضوح حقانیت امام مهدی علیه السلام خواهد داشت صیحه آسمانی است؛ صدایی که در آسمان پیچیده و به گوش همگان خواهد رسید و از حقانیت امام مهدی علیه السلام و نام و نسب او خواهد گفت:

عَنِ الْحَسَنِ بْنِ زِيَادٍ الصَّقَلِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ عليه السلام يَقُولُ إِنَّ الْقَائِمَ لَا يَقُومُ حَتَّى يُنَادِيَ مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ تَسْمَعُ الْفَتَاةُ فِي خَدْرِهَا وَتَسْمَعُ أَهْلُ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَفِيهِ نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ إِنَّ نَشَأَ نُزِّلَ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةٌ فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ (طوسی، ۱۴۱۱ق، ص. ۱۷۷؛ از همین راوی با قدری تفاوت، حر عاملی، ۱۴۲۵ق، ج ۵، ص. ۱۹۵).

صیحه آسمانی اتمام حجتی است که خدا با بندگان‌اش خواهد کرد و این اتمام حجت چنان خواهد بود که حتی دخترکان دور از فضای اجتماع نیز آن را خواهند شنید. آن‌جا که خدا بخواهد می‌تواند حقیقت را چنان آشکار کند که برای هیچ‌کس حرفی باقی نماند و حتی دخترکان پرده‌نشین نیز پیام او را بشنوند. همه کسانی که درگیر شده‌اند صاحب امر را شناخته و جای چندان‌ی برای نبرد و کشتار باقی نمی‌ماند. این وضوح و روشنی با حضور عیسی مسیح عليه السلام و حمایت و پیروی او از امام مهدی عليه السلام برای مسیحیان حاصل می‌شود:

عَنِ الْإِمَامِ الْبَاقِرِ عليه السلام قَالَ: يَنْزِلُ قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ إِلَى الدُّنْيَا، فَلَا يَبْقَى أَهْلُهُ مِلَّةَ يَهُودِي وَلَا نَصْرَانِي إِلَّا آمَنَ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَيَصْلِي خَلْفَ الْمَهْدِيِّ. (قی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص. ۱۵۸).

عیسی مسیح عليه السلام پیامبری است که به سوی بنی اسرائیل مبعوث شد، مسیحیان به او باور داشته و مدعی پیروی از او هستند. روایات از نزول او به دنیا و اعلام تبعیت از مهدی عليه السلام خبر داده و از اقدامات او برای از بین بردن انحرافات در دین مسیح اطلاع داده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۲، ص. ۳۸۲). براساس برخی روایات، او سردار سپاه مهدی عليه السلام در فتح شهرهای روم و چین خواهد بود و بسیاری از این شهرها با گرفتن تکبیر گشوده خواهد شد (سلیمان، ۱۳۸۳، ص. ۲۴۵ و ۲۸۰؛ شوشتری، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص. ۲۱۲؛ کاظمی، ۱۳۸۹، ص. ۳۹۳). حضور فعال مسیح عليه السلام و اصلاحات او مانع از شکل‌گیری جنگ‌های بزرگ شده و عملاً یهودیان و مسیحیان بدون درگیری سنگین، مسلمان شده و به امام خواهند پیوست. آنچه باعث اصلی جدایی میان اقوام و ملت‌ها همین ابهام‌ها و جهل‌هاست. با برکناری غالب مردم از درگیری‌ها، ظالمان توان چندان‌ی برای نبرد نداشته، جهان با کمترین خشونت فتح می‌شود.

با رفع موانعی که توسط سفیان‌ها و دجال‌ها فراهم آمده، بشر پرتجربه آینده با درک حقایق مهدی عليه السلام و با مشاهده کارآمدی‌های حکومت او با کمترین دشواری به اسلام و به حکومت او جذب خواهد شد. آنچه میان مردم و پذیرش حکومت دینی فاصله انداخته افزون بر وجود ظالمان، ناشناختگی و احساس ناکارآمدی دینی است. با کنار رفتن همه این موانع، دلیلی برای فاصله باقی نمی‌ماند.

از جهت اخلاقی، آنچه باقی می ماند درگیری میان حق و باطل است. درگیری میان کسانی که بر باورهای حق استوار مانده و کسانی که با وجود درک حقانیت مدعی طرف مقابل صرفاً برای انگیزه های غیراخلاقی تلاش برای فساد و برتری جویی داشته و به حدود خود محدود نمی مانند. درگیری جنگ با کسانی که تعدی آغاز کرده و جان و مال مردمان را به خطر می اندازند براساس هر دیدگاه اخلاقی مجاز و لازم است.

۶. فرهنگ جهانی و کاهش تفاوت ها؛ مهم ترین اموری که فرهنگ جوامع را شکل می دهد باورها و رسوم گذشتگان، اعتقادات مذهبی یا غیرمذهبی آنان، شرایط جغرافیایی و نقش آفرینی بزرگان اثرگذار است. با پذیرش اسلام و حکومت مردان درست اندیش درستکار همه چیز شکل دیگری خواهد گرفت. آنچه از تفاوت ها هم چنان باقی می ماند طبیعی است و مزاحمتی در ارتباط بین الملل به جا نگذاشته و با تدبیر حاکمان حکیم بدل به ابزاری برای پیشرفت بیشتر خواهد شد.

از دیدگاه اخلاقی، تفاوت های فرهنگی امر ناپسندی نبوده و اختلافات فرهنگی موجب حرکت و رشد خواهد شد. عناصر جاهلانه و مفسده برانگیز هر فرهنگ در سایه اعتقادات اسلامی زدوده شده و عناصر برخاسته از جغرافیا و تفاوت های نژادی و قومی نیز موجب تشخیص اقوام بوده و آثار مثبتی را به دنبال خواهد داشت.

ب) امکان استقلال از حکومت جهانی

برخی اشکالات بر این پایه استوار بود که هیچ فرد یا ملتی را یارای آن نخواهد بود که بتواند سر از طاعت حکومت واحد بپیچد؛ حال آن که نپذیرفتن دین اسلام و باقی ماندن بر دین خویش در ایام حکومت جهانی ممکن است. در برخی روایات از رفتار امام مهدی علیه السلام با اهل ذمه در عصر حکومت جهانی خبر داده و از باقی ماندن او بر سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله در این باره گفته اند:

قُلْتُ فَمَا يَكُونُ مِنْ أَهْلِ الذِّمَّةِ عِنْدَهُ قَالَ يُسَالِمُهُمْ كَمَا سَالَمَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ وَ يُؤَدُّونَ الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَ هُمْ صَاغِرُونَ (ابن المشهدی، ۱۴۱۹ق، ص. ۱۳۵).

همچنین آیه ۱۴ سوره مائده نیز با باقی ماندن اهل کتاب تا روز قیامت اشاره دارد:

﴿وَمِنَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى أَخَذْنَا مِيثَاقَهُمْ فَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ فَأَغْرَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ﴾ (مائده: ۱۴).

با وجود آن که با توجه به ویژگی هایی که از حکومت مهدی علیه السلام گفتیم و از کنار رفتن

فاصله‌های فکری و عاطفی و از درک کارآمدی و حقانیت از سوی عموم مردم خبر دادیم اما هم‌چنان تحمیلی در کار نیست؛ از این رو، از جهت اخلاقی جایی برای اشکال به سیاست حکومت واحد بر اهل ادیان دیگر باقی نخواهد بود.

برخی ایرادات اخلاقی که در ابتدای بحث بر حکومت‌های جهانی مطرح گردید مبتنی بر این باور غلط بود که حکومت مهدوی نیز اجازه انتخاب را از همه جوامع خواهد گرفت؛ در حالی که آموزه‌های مهدوی به ما گوشزد کرده‌اند که با وجود روشن شدن حق از باطل اگر کسانی اصرار بر حفظ باورها و باقیماندن در جوامع خود دارند می‌توانند به خواسته خود برسند، گرچه به خاطر ایستادگی بر موضع نادرست باید آماده تحمل هزینه‌های طبیعی آن هم باشند.

ج) کارآمدی و بقای حکومت امام

حکومت مهدی علیه السلام در نهایت کارآمدی خواهد بود؛ چراکه علم و عصمت او پشتوانه اصلی حکومت است، متصدیان اصلی در نهایت اخلاص، آگاهی و رفاقت و محبت قرار دارند و قوی‌ترین ابزارها برای حضور، آگاهی و نظارت در اختیار آنهاست. مردم پس از تجربه‌ها و تلخی‌های طولانی به این حکومت روی آورده و در آن شراکت داشته و پشتیبان آن خواهند بود:

۱. عصمت؛ از نظر شیعه، حکومت هنگامی به سامان خواهد شد که امام معصوم علیه السلام عهده‌دار آن شود. عصمت به معنای آگاهی و آزادی است؛ آگاهی از هر آنچه که برای راهیابی و راهنمایی مردم لازم است و آزادی از همه اسارت‌های درونی و بیرونی. چنین کسی مرتکب اشتباه و گناه نمی‌شود. عصمت امام موجب می‌شود تا او بهترین افراد را در مناسب‌ترین مناصب قرارداد و درست‌ترین قواعد را برای حاکمیت تعریف کند. در سایه عصمت است که بسیاری از نابه‌سامانی‌ها رخ نداده و تخلف و انحراف به حداقل خواهد رسید.

حاکم معصوم فراتر از افقی قرار می‌گیرد که اندیشه‌های اخلاقی امروز به آن راهی دارند. امام معصوم نه تنها گناه و اشتباهی نخواهد داشت بلکه کسانی که از سوی او انتخاب می‌شوند مناسب‌ترین افراد موجود برای تصدی هستند و در صورت تخلف و لغزش، عصمت امام این اقتضا را دارد که امام به جایگزینی افرادی مناسب‌تر اقدام کند. این درست است که در زمان امام علی علیه السلام اندکی از کارگزاران او تخلفاتی داشتند ولی معمولاً امام اقدام به جایگزینی افرادی مناسب‌تر اقدام کرد. برخی استناداران علی نیز پس از رحلت او لغزیدند و در کنار ظالمان قرار گرفتند ولی گزارشی از تخلف آنان در عصر انتصاب از سوی امام وجود ندارد.

۲. حکم براساس واقعیت و نه ظاهر؛ آنچه حکومت امام مهدی علیه السلام را ممتاز از سایر معصومان می‌کند قضاوت و حکم او براساس واقعیاتی که معصوم علیه السلام از آن آگاه است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۲، ص. ۳۲۰). پیامبر صلی الله علیه و آله خود تصریح کرده که میان مردم براساس ظاهر و بر پایه مفاد ادله حکم کرده و بر علم خویش در این زمینه تکیه نمی‌کند. اما امام مهدی علیه السلام براساس علم خویش یعنی براساس واقعیت حکم خواهد کرد و جایی برای اشتباه و فرار مجرمان از مجازات یا مجازات بی‌گناهان باقی نمی‌گذارد.

۳. یاران مهدی علیه السلام؛ پیش از این از اوصاف این مردان بزرگ گفتیم که نهایت لیاقت برای حکومت را دارا هستند. اینان از بهترین امکانات برای دوری از اشتباه برخوردارند. از امام صادق علیه السلام نقل شده است که:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ بَعَثَ فِي أَقَالِيمِ الْأَرْضِ فِي كُلِّ إِقْلِيمٍ رَجُلًا يَقُولُ عَهْدُكَ فِي كَفِّكَ فَإِذَا وَرَدَ عَلَيْكَ أَمْرٌ لَا تَفْهَمُهُ وَلَا تَعْرِفُ الْقَضَاءَ فِيهِ فَانْظُرْ إِلَى كَفِّكَ وَاعْمَلْ بِمَا فِيهَا (نعمانی، ۱۳۹۷ق، ص. ۳۱۹؛ طبری آملی صغیر، ۱۴۱۳ق، ص. ۴۶۷)؛

امام مهدی علیه السلام به حاکمان هر سرزمین می‌فرماید: اگر امری را نفهمیدی و نتوانستی قضاوت کنی به کف دستت نگاه کن حکمش را می‌بینی.

این گونه اشتباهات به حداقل رسیده و زمینه ظلم و ستم و یا احساس ناکارآمدی حکومت بسیار کاهش خواهد یافت. روایت فوق ممکن است خبر از اوج فناوری و پیشرفتی بدهد که در روایات از آن یاد شده است. اوج گرفتن علم و فناوری در عصر ظهور سبب خواهد شد تا بسیاری از ناکارآمدی‌ها و ضعف نظارت‌ها که منجر به مفاسد اخلاقی می‌شوند، برطرف گردند.

۳. پشتوانه مردمی؛ مهم‌ترین عامل موفقیت حکومت‌ها وجود پشتوانه مردمی است. هنگامی که مردم به شخصیت و سلامت و دلسوزی حاکم نسبت به خویش باور داشته باشند و کارایی او را ببینند و میوه‌های این حکومت موفق را بچشند با تمام وجود از او حمایت خواهند کرد. این حکومت در همه جا متکی بر شوراهای مردمی است که به تناسب شرایط هر منطقه به تطبیق قواعد کلی و تقنین و تدبیر خواهند پرداخت؛ چراکه ادله قرآنی لزوم تکیه جامعه مؤمنان بر تصمیم‌شورایی مسلمانان (شوری: ۳۸) در عصر مهدی علیه السلام نیز معتبر است؛ این مشارکت در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری، همراه با نظارت آگاهانه و دلسوزانه معصوم علیه السلام، به اوج‌گیری هر چه بیشتر مشارکت مردم خواهد انجامید. لازمه چنین مشارکتی وجود شفافیت کامل در کار مسئولان است که مهم‌ترین شیوه در جوامع امروزین برای رفع فساد و افزایش کارآمدی خواهد شد.

۴. عدم تمرکز در برنامه ریزی و مدیریت؛ حکومت معصومین علیهم السلام دچار تمرکزگرایی نیست؛ نمونه روشن آن را در حکومت علی علیه السلام می توان دید؛ محمد بن ابی بکر در مصر و مالک اشتر پس از او، صرفاً از راهنمایی کلی علی علیه السلام بهره گرفته و در تدبیر و مدیریت صرفاً براساس فهم خویش از دین و با تکیه بر مشورت مردم منطقه حکومت می کنند. حکومت مهدی علیه السلام نیز بر همان سیره و قواعدی متکی است که حکومت پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام بر آن اتکا داشت.

نتیجه گیری

مخالفان ایده دولت واحد جهانی از سه جهت بر آن ایراد گرفته اند: ضرورت، امکان و فائده. توجه به آثار تعدد دولت ها در محدودیت آزادی در بسیاری از جوامع، رواج تبعیض و ظلم و ستم در کشورهای مختلف و اتلاف گسترده منابع زمین و درخطر قرار گرفتن زیست محیط انسان ها شبیه و ایراد اول را برطرف می کند. ایراد دوم نیز با توجه به شکل گیری این تحول از درون جوامع و افزایش تجربه بشری برطرف خواهد شد. هنگامی که ناتوانی روش ها و مدعیان موجود روشن شده و نگاه ها به سوی اولیاء الهی بازگردد و انسان هایی تربیت شوند که قادر باشند بار حکومت الهی را بر دوش بگیرند امکان شکل گیری حکومت الهی نیز فراهم خواهد شد. ایراد سوم، یعنی ادعای عدم تناسب هزینه برپایی حکومت جهانی با فوائد آن، عمدتاً بر پایه تصور غلطی است که از مسیر متنهی به این حکومت داریم. رساندن مردم به تجربه و پختگی لازم برای استقبال از این حکومت و تربیت کادرهای لازم برای اداره آن، در حقیقت تحقق بخشیدن به ارزش هایی است که انسان و جامعه انسانی برای آن خلق شده و این هزینه ها حتی اگر برای برپایی حکومت جهانی نباشد حرکت در مسیر رسیدن به آرمان های بلند انسان و جامعه انسانی است.

منابع

قرآن کریم

- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۹۵ق). *کمال الدین و تمام النعمه*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ابن طاووس، علی بن موسی. (۱۴۱۶ق). *التشريف بالمنن في التعريف بالفتن*، قم.
- ابن مشهدی، محمد بن جعفر. (۱۴۱۹ق)، *المزار الكبير (لابن المشهدي)*، قم.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۲۵ق). *إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات*. (علاء الدین اعلمی و شهاب الدین مرعشی، مترجم). بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- خزاز رازی، علی بن محمد. (۱۴۰۱ق). *کفایة الأثر فی النص علی الأئمة الإثني عشر*، قم.

- خصبی، حسین بن حمدان (۱۴۱۹ق). *الهدایة الکبری*، بیروت.
- سلیمان، کامل (۱۳۸۳). *یوم الخلاص فی ظل القائم علیه السلام*، قم: آل علی.
- شوشتری، قاضی نور الله (۱۴۰۹ق). *احقاق الحق وازهاق الباطل*، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
- طبری آملی صغیر، محمد بن جریر بن رستم (۱۴۱۳ق). *دلائل الإمامة*، قم: بعثت.
- طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۱ق). *الغیة*، قم.
- غنوی، امیر (۱۳۹۱)، درآمدی بر طرح اندیشه مهدویت در قرآن و سنت، *مشرق موعود*، دوره ۶، شماره ۲۲.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ق)، *تفسیر القمی*، قم.
- کاظمی، مصطفی بن ابراهیم (۱۳۸۹ق). *بشارة الاسلام فی علامات المهدی علیه السلام*، بیروت: مؤسسة البلاغ.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۲ق). *الکافی*، تهران.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار*، بیروت: دار احیاء تراث العربی.
- نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق). *الغیة*، تهران: نشر صدوق.
- وبر، ماکس (۱۳۹۴ش). *اقتصاد و جامعه*، (عباس منوچهری و همکاران، مترجم)، تهران: سمت.
- یزدی حائری، علی (۱۴۲۲ق). *إلزام الناصب فی إثبات الحجة الغائب علیه السلام*، بیروت.
- Abramowitz, M. J. (2018). Democracy in crisis. Freedom House. Retrieved December 16, 2024, <https://freedomhouse.org>
- Chimni, B. S. (2004). International institutions today: An imperial global state in the making. *European Journal of International Law*, 15(1), 1–37. <https://doi.org/10.1093/ejil/15.1.1>
- Dufek, P. (2019). Why a world state is unavoidable in planetary defense. In N. Schmidt (Ed.), *Planetary Defense: Global Collaboration for Defending Earth from Asteroids and Comets* (pp. 115-130). Springer Nature Switzerland AG.
- Encyclopaedia Britannica. (n.d.). Evolutionary socialism. Encyclopaedia Britannica. Retrieved December 16, 2024, <https://www.britannica.com/topic/Evolutionary-Socialism>
- Lu, Catherine. (2021). World government. *The Stanford Encyclopedia of Philosophy* (Spring 2021 Edition).
- Piketty, T. (2013). *Le Capital au XXIe siècle*, Paris: Seuil. Translated as *Capital in the Twenty-First Century*, Arthur Goldhammer (trans.), Cambridge, MA: Harvard University Press, 2014.
- Pogge, T. (2000). *World poverty and human rights*. Oxford: Polity Press.
- Repucci, S., & Slipowitz, A. (2022). *The global expansion of authoritarian rule*.

- Freedom House. Retrieved December 16, 2024, from <https://freedomhouse.org>
- Repucci, S., & Slipowitz, A. (2022). The global expansion of authoritarian rule. Freedom House.
- Robinson, C. J. (1983). Black Marxism: The making of the black radical tradition. Berkeley: University of California Press.
- Rodrik, D. (2011). The globalization paradox: Democracy and the future of the world economy. New York: W.W. Norton.
- Wendt, A. (2003). Why a world state is inevitable: Teleology and the logic of anarchy. *European Journal of International Relations*, 9(4), 491–542. <https://doi.org/10.1177/135406610394001>
- Yunker, J. A. (2012). Evolutionary world government. *Peace Research*, 44(1), 95–126. Retrieved from <http://www.jstor.org/stable/23607919>